

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: شبنم اوغوز  
برگردان: مهرداد امامی  
فرستنده: علی مشرف  
۱۲ مارچ ۲۰۲۵

## فاشیسم متأخر و دولت ترکیه: مسائل ستراتیژی

(۳)



### ستراتیژی‌های چپ و رژیم جدید

در ترکیه، ستراتیژی‌های جناح‌های مختلف چپ بر اساس این‌که چگونه رژیم سیاسی را تعریف می‌کنند، متنوع است. به بیان کلی، چپ در ترکیه را می‌توان در قالب سه جناح اصلی دسته‌بندی کرد: چپ میانه نزدیک به حزب جمهوری‌خواه خلق؛ جناح‌های متعدد چپ سوسیالیست سازمان‌یافته در احزاب و گروه‌بندی‌های کوچک؛ و حزب دموکراتیک خلق‌ها (HDP) (که اکنون درون حزب برابری و دموکراسی خلق‌ها ادغام شده) که همچون سازمان مادر برای جنبش آزادی‌گرددی در کنار پنج حزب سوسیالیست تُرک فعالیت می‌کند. حزب جمهوری‌خواه خلق خاستگاه "استبدادی شدن رژیم" را ناشی از تمرکز شدید قدرت‌های ریاستی در کنار تضعیف نقش پارلمان و از بین رفتن حکومت قانون می‌داند. به همین دلیل، در آستانه انتخابات ۲۰۲۳، این حزب و متحدانش برای جای‌گزینی نظام دولت ریاستی، گذار به سوی "رژیم پارلمانی تقویت‌شده" را پیش نهادند. رویکرد ستراتیژیک آن‌ها مبتنی بر اصلاحات نهادی درون ساختار دولت موجود است. بخش چشم‌گیری درون جناح‌های چپ سوسیالیست خصلت رژیم را "اقتدارگرایی نولیبرالی" می‌دانند. تمرکز

ستراتژی یک آن‌ها پیرامون مخالفت با نولیبرالیسم یا سرمایه‌داری است، بدون آن‌که به مداخله سیاسی ضدفاشیستی خاصی بپردازند. جناح دیگر، سازوبرگ‌های دولت را محصول فاشیسم تاریخی ترکیه می‌داند و فاشیسم متأخر را پدیده مجزای مخصوص به این بزنگاه سرمایه‌داری تلقی نمی‌کند. در نتیجه، آن‌ها حامی ستراتیژی انقلابی هستند که خصلت‌های منحصربه‌فرد و مشکلات ناشی از فاشیسم متأخر در صحنه سیاسی ترکیه را نادیده می‌گیرد. در مقابل، حزب برابری و دموکراسی خلق‌ها (DEM) و عناصر سوسیالیستی آن، رژیم حزب عدالت و توسعه را جریانی درون روند فاشیستی‌سازی می‌دانند و از تعبیری مثل "نهادینه‌سازی فاشیسم" (دگرگونی کل سازوبرگ‌های دولت در راستای خطوط فاشیستی) و "اجتماعی‌سازی فاشیسم" (با گسترش تدریجی فاشیسم درون جامعه) استفاده می‌کنند. به همین نحو، این حزب برای ستراتیژی "مقابله با فاشیستی‌سازی" اولویت قائل است.

پیش از پرداختن به جزئیات هر یک از این ستراتیژی‌ها، باید اشاره داشت که رژیم جدید در ترکیه تنها از خلال اقدامات حزب عدالت و توسعه تاسیس نشد. بزنگاه جدیدی نیز از طریق واکنش‌های مخالفان و تعامل بین ستراتیژی‌ها و ضدستراتیژی‌ها پدید آمد. برای مثال، پس از مقاومت گزی، دولت حزب عدالت و توسعه برای تضمین این‌که بخش‌های مختلف جامعه نتوانند حول هدف سیاسی مشترکی گرد هم آیند، ممنوعیت‌هایی بر تظاهرات خیابانی وضع کرد. این وضعیت گزینه‌های نیروهای مخالف را به‌ویژه میان چپ‌ها محدود کرد و اهمیت انتخابات در محاسبات سیاسی را افزایش داد. در همین بستر است که ستراتیژی‌های هر یک از اردوگاه‌های چپ ترکیه را باید تحلیل کرد.

### نقش متناقض حزب جمهوری‌خواه خلق در تحکیم رژیم

ستراتیژی‌های حزب جمهوری‌خواه خلق به عنوان حزب مخالف اصلی در برابر حزب عدالت و توسعه در تحول رژیم در نقاط عطف بحرانی نقش داشته است. ستراتیژی این حزب تا ۲۰۱۰ مبتنی بر فعالیت به عنوان "حافظ جمهوری سکولار" در برابر اسلام‌گرایی حزب عدالت و توسعه بود. این حزب در ۲۰۰۷ ائتلافی را با ارتش، قوه قضائیه و بوروکراسی علیه نامزد ریاست‌جمهوری حزب عدالت و توسعه یعنی عبدالله گل شکل داد. به رغم این ائتلاف، حزب عدالت و توسعه آرای خود را در انتخابات پارلمانی آن سال افزایش داد و عبدالله گل رئیس‌جمهور شد. به موازات تشدید مخالفت درون دولت به رهبری حزب جمهوری‌خواه خلق، حزب عدالت و توسعه از طریق به راه انداختن جنگی درون‌دولتی با تصفیه کمالیست‌ها در ارتش، قوه قضائیه و پولیس در همکاری با طرفداران گولن انتقام‌جویی کرد. پس از ۲۰۱۰، تحت رهبری کمال قیلیچ‌داراوغلو، حزب جمهوری‌خواه خلق ستراتیژی خود را به جای جنگ درون‌دولتی به سوی مخالفت اجتماعی با هدف تضعیف حزب عدالت و توسعه از طریق ائتلاف‌های گسترده‌تر تغییر داد. با این حال، حزب جمهوری‌خواه خلق این ستراتیژی را با ایجاد روابطی با احزاب دست‌راستی و نه اتحاد با چپ‌ها پیش برد.

مرحله اساسی در خصوص نقش حزب جمهوری‌خواه خلق در فاشیستی‌سازی رژیم در اپریل ۲۰۱۶ از راه رسید، زمانی که قیلیچ‌داراوغلو از لایحه‌ای برای اصلاح قانون اساسی به منظور حذف مصونیت در برابر تعقیب قضائی برای نمایندگان مجلس حمایت کرد. این تغییر در قانون اساسی بازداشت و زندانی شدن متعاقب نماینده مجلس حزب جمهوری‌خواه خلق، انیس بربراوغلو و رهبران مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها یعنی صلاح‌الدین دمیرتاش و فیگن یوکسک‌داغ را امکان‌پذیر کرد. [۲۶] قیلیچ‌داراوغلو همچنین مشخصاً با اعتراضات خیابانی مثل اعتراضات پارک گزی مخالفت کرد و عقیده داشت همه‌چیز باید از طریق انتخابات پیش رود. او حتی در مواجهه با تقلب انتخاباتی در همه‌پرسی قانون اساسی ۲۰۱۷ برای گذار به نظام ریاستی، از مردم نخواست که به خیابان‌ها بیانند و در عوض به پیش‌برد ستراتیژی انتخابات‌محور متکی بر ائتلاف‌ها ادامه داد، تو گویی رژیمی که در مقابل‌شان قرار داشت رژیمی

لیبرال-دموکراتیک بود. حزب جمهوری‌خواه خلق در برابر "ائتلاف جمهور" حزب عدالت و توسعه و حزب حرکت ملی، همراه با پنج حزب دست‌راستی پیش از انتخابات ۲۰۲۳ دست به تشکیل "ائتلاف ملت" زد. ترجیح مداوم حزب جمهوری‌خواه خلق برای ائتلاف با متحدان دست‌راستی منجر به ظهور بلوک مخالفان دست‌راستی ملی‌گرا شده است که بسیار شبیه ائتلاف حاکم است و تفاوت آن تنها در جنبه‌های کوچک است.

پس از شکست انتخاباتی مخالفان در انتخابات سراسری ۲۰۲۳، دوره جدیدی در حزب جمهوری‌خواه خلق تحت رهبری اوزگور اوزل آغازید. آن‌ها انتخابات محلی ۲۰۲۴ را به صورت مستقل تحت تأثیر قرار دادند و این ستراتیژی موفقیت‌آمیز بود چرا که آن‌ها را قادر ساخت مواضع قدرت‌مندتری در باب سکولاریسم و مشکلات طبقه کارگر پیش از پیش فقیرشده تحت سیاست‌های اقتصادی جدید با مدیریت محمت شیمشک، وزیر خزانه و امور مالی پس از انتخابات ۲۰۲۳ بگیرند. موفقیت این ستراتیژی یکی از دلایل موفقیت حزب جمهوری‌خواه خلق در انتخابات محلی ۳۱ مارچ ۲۰۲۴ بود، انتخاباتی که در آن نه تنها در سه مرکز شهری عمده بلکه همچنین در شهرهایی که قلعه‌های حزب عدالت و توسعه شناخته می‌شدند، به پیروزی رسیدند.

### ستراتیژی چپ سوسیالیست پس از مقاومت گزی

سرکوب مقاومت گزی در ۲۰۱۳ نقطه عطفی در دگرگونی شکل دولت به فاشیسم متأخر بود. با این حال، چپ سوسیالیست برای صورت‌بندی ستراتیژی مؤثر در برابر این دگرگونی مبارزه کرد. بسیاری از سوسیالیست‌ها به کنج‌ر رفتن با دوگانه بین ستراتیژی‌های فعالیت‌خپابانی و سیاست انتخاباتی ادامه دادند. در دوران پس از گزی، بخش قابل توجهی از چپ سوسیالیست ترجیح داد ضرباهنگ ناشی از مقاومت را از خلال حمایت از حزب دموکراتیک خلق‌ها در انتخابات ۲۰۱۵ به سمت سیاست پارلمانی جهت‌دهی کند و ستراتیژی سوسیالیستی دموکراتیک را در پیش گیرد. حتی سازمان‌های محله‌محور "خانه‌های خلق" (Halk Evleri) به‌رغم این‌که در گذشته برای جنبش‌های خپابانی در مقایسه با صندوق رأی اولویت قائل بودند، از حزب دموکراتیک خلق‌ها در این انتخابات حمایت کردند، پیش از آن‌که بعدها دوباره به موضع ضدانتخاباتی خود بازگردند.

بعضی از جناح‌های چپ سوسیالیست که از جنبش گردی فاصله گرفته بودند، "جنبش متحد جون" را در ۲۰۱۴ تأسیس کردند. [۲۷] این ائتلاف متشکل از احزاب سوسیالیست، سوسیال دموکرات‌ها، فعالان اتحادیه‌ها، فعالان گزی و انجی‌او‌های چپ‌گرا بود. آن‌ها حامی مجامع مردمی و گردهمانی‌های محله‌محور همچون تجلی راستین مقاومت گزی بودند. با این حال، این ائتلاف به واسطه امتناع از روندهای انتخاباتی، ضرباهنگ خود را از دست داد و تبدیل به جمعی منزوی شد. عدم توافق آن‌ها درباره این‌که چگونه باید با انتخابات ۲۰۱۸ درگیر شوند، منجر به انحلال‌شان شد.

پیش از انتخابات ۲۰۱۸، حزب چپ بر حفظ موضع مستقل "جنبش متحد جون" تأکید داشت، در حالی که حزب کارگر ترکیه تصمیم گرفت اعضای برجسته خود را به عنوان نامزدهای حزب دموکراتیک خلق‌ها معرفی کند. دو نفر از اعضای حزب کارگر ترکیه نماینده پارلمان شدند و در کنار دو فرد دیگر که از حزب جمهوری‌خواه خلق و حزب دموکراتیک خلق‌ها جدا شده بودند، گروه پارلمانی حزب کارگر ترکیه را تشکیل دادند. بعدها، حزب چپ موضع خود در قبال مشارکت انتخاباتی را تغییر داد. حزب چپ در انتخابات ۲۰۲۳ همراه با حزب کمونیست ترکیه و سه گروه سوسیالیستی دیگر با فاصله‌گیری از ائتلاف با حزب دموکراتیک خلق‌ها، "اتحاد قدرت سوسیالیستی" را تشکیل دادند.

### حزب دموکراتیک خلق‌ها و ائتلاف کار و آزادی

حزب دموکراتیک خلق‌ها از زمان تأسیس خود در ۲۰۱۲، در مقابل ستراتیژی انتخابات‌محور حزب جمهوری‌خواه خلق و ستراتیژی ضدانتخاباتی "جنبش متحد جون" تأکید نیرومندی بر ترکیب جنبش‌های مردمی با سیاست انتخاباتی داشت. [۲۸] ریشه‌های حزب دموکراتیک خلق‌ها به تأسیس دو سازمان متحد با جنبش‌گردی برمی‌گردد: "کنگره جامعه دموکراتیک" (DTK) که در استان‌های گُردی در ۲۰۰۷ به عنوان پلتفرمی وسیع برای انجی‌اوها پایه‌گذاری شد؛ و "کنگره دموکراتیک خلق‌ها" (HDK) که به عنوان پلتفرمی افقی و مشارکتی در ۲۰۱۱ در انقره شکل گرفت و فعالیت آن از خلال مجامع محلی بود که مبارزات ۳۵ سازمان اعم از احزاب سوسیالیست، فمینیست‌ها، جنبش‌های ال‌جی‌بی‌تی‌کیو و محیط‌زیستی، اتحادیه‌های کارگری و نمایندگان بسیاری از اقلیت‌های دینی را متحد می‌کرد.

در ۲۰۱۲، "کنگره دموکراتیک خلق‌ها"، "حزب دموکراتیک خلق‌ها" را تأسیس کرد که قرار بود پروژه‌های انتخاباتی باشد که تنها در طول کارزارهای انتخاباتی فعالیت کند و تابع تصمیمات "کنگره دموکراتیک خلق‌ها" باشد. با این حال، حزب دموکراتیک خلق‌ها به سرعت محبوبیت یافت و "کنگره دموکراتیک خلق‌ها" را تحت‌الشعاع قرار داد. حزب دموکراتیک خلق‌ها در پی موفقیت در انتخابات ۲۰۱۵ با کسب ۱۳ درصد آراء هدف حملات دولت و محافل ملی‌گرا قرار گرفت که در نتیجه آن رهبران مشترک این حزب و نیز برخی از نمایندگان پارلمان، اعضای هیأت اجرائی مرکزی و رؤسای مشترک استانی حزب دموکراتیک خلق‌ها بازداشت شدند. افزون بر این، وضعیت پارلمانی ۱۵ نفر از نمایندگان پارلمان این حزب لغو و بسیاری از شهرداران مشترک آن بازداشت یا جای‌گزین شدند و پس از انتخابات محلی هم در ۲۰۱۴ و هم در ۲۰۱۹، به جای آن‌ها سرپرستان (قیم‌ها)ی دولتی انتصاب شدند. متعاقب آن، در ۲۰۲۱ پرونده‌ای قضائی با هدف انحلال حزب دموکراتیک خلق‌ها تشکیل شد (نبردی قانونی که هنوز پایان نیافته است).

حزب دموکراتیک خلق‌ها به رغم این سرکوب به مبارزه با فاشیسم متأخر به شکل‌های کاملاً جدیدی پرداخته است. فرهنگ خودانتقادی و گشودگی نسبت به ستراتیژی‌های نوین دستاوردی حیاتی برای چپ است. ایجاد "ریاست مشترک" در تمام سطوح حکمرانی به معنای افزایش چشمگیر مشارکت زنان در سیاست در سراسر کشور بوده است. به لحاظ ایدئولوژیک، حضور جنبش‌گردی درون حزب آن را تبدیل به سازمانی کرده که همواره تمایزی بین دولت ترکیه و حزب عدالت و توسعه قائل است و هدف آن نه تنها شکست حزب عدالت و توسعه بلکه دگرگونی دولت ترکیه به مثابه یک کل است. ستراتیژی حزب دموکراتیک خلق‌ها که عموماً "راه سوم" نامیده می‌شود نیز اهمیت زیادی دارد. حزب دموکراتیک خلق‌ها از طریق مخالفت با نولیبرالیسم و ناسیونالیسم هر دو حزب عدالت و توسعه و حزب حرکت ملی و نیز حزب جمهوری‌خواه خلق بدیلی را پیش می‌نهد که ترکیبی است از سیاست‌های اقتصادی ضدسرمایه‌داری با پروژه دموکراتیک رادیکالی که راحل آن برای مسأله‌گردی از خلال روش‌های صلح‌آمیز است. در این معنا، هدف این حزب دموکراتیک‌سازی رادیکال دولت است و نه انگاره‌های قدیمی "محاصره" و "درهم‌کوبیدن دولت". حزب دموکراتیک خلق‌ها در قالب بخشی از این ستراتیژی کوشیده به بازی‌گری اصلی در سه انتخابات اخیر تبدیل شود.

ستراتیژی انتخاباتی حزب دموکراتیک خلق‌ها از ۲۰۱۵ به بعد مبتنی بر "عقب راندن روند فاشیستی‌سازی" بوده است. در راستای این هدف، این حزب در انتخابات محلی ۲۰۱۹ بر بازستانی شهرداری‌ها در مناطق گُردی متمرکز شد، جایی که سرپرستان (قیم‌ها)ی دولتی انتصاب شده بودند و نیز هدف آن شکست ائتلاف حزب عدالت و توسعه و حزب حرکت ملی در غرب کشور بود. رهبران حزب دموکراتیک خلق‌ها به عنوان بخشی از این ستراتیژی از حامیان خود خواستند به حزبی رأی دهند که در استان‌های غربی بیش‌ترین احتمال را برای شکست "ائتلاف جمهور" داشت که اساساً به معنای حمایت از حزب جمهوری‌خواه خلق بود. نتیجه این ستراتیژی این بود که حزب عدالت و توسعه کنترل

شهرهای اصلی از قبیل انقره، استانبول، ازمیر و آنتالیا را به حزب جمهوری‌خواه خلق واگذار کرد، رویدادی که برای اولین بار در پانزده سال گذشته موجب شد حزب عدالت و توسعه کنترل انقره و استانبول را از دست بدهد.

حزب دموکراتیک خلق‌ها در ۲۰۲۲ "ائتلاف کار و آزادی" را همراه با پنج حزب سوسیالیست پایه گذاشت [۲۹]. این ائتلاف که در ابتداء قصد داشت پلنفرمی متحد برای مبارزات گسترده‌تر ورای سیاست انتخاباتی باشد، در قالب کانونی مذاکراتی برای انتخابات ۲۰۲۳ تحول یافت. متعاقب آن، حزب دموکراتیک خلق‌ها که در انتخابات سراسری ۲۰۲۳ تحت عنوان "حزب چپ سبز" وارد انتخابات شد، فهرست مشترکی برای رقابت در انتخابات تهیه کرد که ترکیبی از نامزدهای پنج حزب سوسیالیست تشکیل‌دهنده حزب دموکراتیک خلق‌ها [۳۰] در کنار احزاب سیاسی کُرد و سه حزب سوسیالیست تُرک از "ائتلاف کار و آزادی" بود. با این حال، این حزب نتوانست حزب کارگر ترکیه را متقاعد کند که به فهرست مشترک بپیوندد و حزب کارگر نامزدهای خود را به صورت جداگانه در ۴۱ استان وارد انتخابات کرد. این امر منجر به افولی در کل تعداد کرسی‌های پارلمانی شد که ائتلاف کار و آزادی کسب کرده بود. حزب کارگر ترکیه با کسب ۱.۷۶ درصد آرا این نتیجه را موفقیتی نسبی و نشانه‌ای از این دانست که یک "حزب توده‌ی سوسیالیستی" توانسته است ارزش خود را در ترکیه برای نخستین بار پس از سالیان طولانی ثابت کند. حزب چپ سبز ۸/۸ درصد رأی آورد و آن را شکست تلقی کرد چرا که ۸۸/۲ درصد کمتر از آرای آن‌ها در انتخابات پیشین بود. افزون بر این، تصمیم این حزب مبنی بر حمایت از قیلیچ‌دار اوغلو، رهبر حزب جمهوری‌خواه خلق و نامزد "ائتلاف ملت" در انتخابات ریاست‌جمهوری دو مشکل ایجاد کرد. نخست، اردوغان از حمایت حزب چپ سبز از قیلیچ‌دار اوغلو برای بی‌اعتبار ساختن وی همچون حامی حزب کارگران کردستان استفاده کرد و بنابراین بر آرای ملی‌گرایان اثر گذاشت. دوم، ائتلاف قیلیچ‌دار اوغلو با حزب ملی‌گرای افراطی و سکولار "ظفر" در دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری، حامیان حزب چپ سبز را ناامید کرد و این حزب را به دلیل حمایت از قیلیچ‌دار اوغلو بدون دستاوردهای ملموس با انتقاداتی مواجه کرد.

پس از انتخابات، حزب چپ سبز به عنوان "حزب برابری و دموکراسی خلق‌ها" شروع به فعالیت دوباره کرد و روندی از خودانتقادی را آغازید و دست به برگزاری جلسه‌های عمومی به عنوان بخشی از این روند دگرگونی زد. این حزب در حالی که تمرکز خود بر عقب راندن حزب عدالت و توسعه را حفظ کرد، به نحو برجسته‌تری بر ستراتیژی "راه سوم" تأکید کرد. در طول انتخابات محلی ۲۰۲۴، این حزب از حمایت آشکار از حزب جمهوری‌خواه خلق در شهرهای غربی خودداری کرد و این اقدام تلاش‌های اردوغان برای متهم کردن حزب جمهوری‌خواه خلق به ارتباط با تروریسم را خنثی کرد و موجب کاهش نارضایتی جامعه کُردها نسبت به هدایت مداوم آرای آن‌ها به سوی احزاب سیاسی دیگر شد. حزب برابری و دموکراسی خلق‌ها برای گزینش نامزد در شهرهای غربی "الگوی اجماع شهری" را معرفی کرد و هدف آن حمایت از نامزدها صرف‌نظر از وابستگی حزبی و بر اساس معیارهای مشخصی بود. به دلیل این روش، احمد اوزر، نامزد ارجح حزب برابری و دموکراسی خلق‌ها، که عضو حزب جمهوری‌خواه خلق بود، به عنوان شهردار منطقه اسن‌یورت استانبول، که جمعیت کُرد قابل توجهی دارد، انتخاب شد. افزون بر این، این حزب ستراتیژی خلاقانه‌ای را برای تضمین این که استانبول به دست حزب عدالت و توسعه نیفتد، پیش برد. این حزب نامزدهای خود را در استانبول معرفی کرد، در حالی که از رقابت مستقیم با حزب جمهوری‌خواه خلق اجتناب کرد تا حمایت جامعه کُردها را تضمین کند. حزب برابری و دموکراسی خلق‌ها در مناطق کُردی از خلال یک روند انتخاباتی مقدماتی و نوآورانه نامزدهای خود را انتخاب کرد. این رویکرد به شکل موفقیت‌آمیز موجب جلب توجه دوباره مردم محلی به حزب و منجر به بازپس‌گیری شهرداری‌هایی شد که پیشتر در دست آن‌ها بود. در نتیجه، حزب عدالت و توسعه نتوانست در انتخابات محلی پیش‌تاز شود. از این رو، حزب جمهوری‌خواه خلق نه تنها حزب اصلی کشور شد بلکه فضائی سیاسی شبیه

"قدرت دوگانه" در بسیاری از شهرها پدید آمد، به طوری که سازوبرگ‌های قهری دولت در دستان حزب عدالت و توسعه بود، در حالی که شهرداری‌ها تحت کنترل حزب جمهوری‌خواه خلق در غرب کشور و حزب برابری و دموکراسی خلق‌ها در استان‌های کُردی قرار گرفت.

ادامه دارد

**یادداشت‌ها:**

[۲۶]. For detailed analyses of UJM, see: Mehmet Fatih Çömlekçi and Serhat Güney, 'In Search of Free Spaces to Breathe: Turkey's United June Movement, Social Uprising, and Spatial Maintainability', *Antipode*, ۵۵(۶), ۲۰۲۳, pp. 1641-61; Eren Karaca and Özgür Balkılıç, 'The Legacy of the Gezi Resistance and Its Effects on Turkey's Socialist Movements of the Past Decade', in Ozan Siso, Ufuk Gürbüzdal and Eren Karaca, eds, *Gezi at Ten: Domination, Opposition and Political Organization*, Leiden: Brill, 2024.

[۲۷]. For detailed analyses of HDP, see: Rosa Burç, 'Kurdish Transformative Politics in Turkey', *Journal of Ethnographic Theory*, ۱۲(۱), pp. 17-26, 2022; Erdem Yörük, 'The Radical Democracy of the People's Democratic Party: Transforming the Turkish State', in Paul Christopher Gray, ed., *From the Streets to the State: Changing the World by Taking Power*, Albany, NY: Suny Press, 2018; Muzaffer Kaya, 'The Potentials and Challenges of Left Populism in Turkey: The Case of the Peoples' Democratic Party (HDP)', *British Journal of Middle Eastern Studies*, ۴۶(۵), ۲۰۱۹, pp. 797-812.

[۲۸]. حزب کارگر ترکیه (TİP) ، حزب کار (EMEP) ، حزب جنبش زحمت‌کشان (EHP) ، حزب آزادی اجتماعی (TÖP) و فدراسیون مجامع سوسیالیستی (SMF).

[۲۹]. حزب سوسیالیست ستم‌دیدگان (ESP) ، پلتفرم همبستگی سوسیالیستی (SODAP) ، حزب بازتأسیس سوسیالیستی (SYKP) ، حزب انقلابی (DP) و حزب آینده‌چپ و سبز (YSP).

[۳۰]. Poulantzas, *Fascism*, p. 297.

منبع: نقد